



Editor-in-chief: Mino Hemati  
Email: minohemati@gmail.com

سردبیر: مینو همتی

Email: shararehrezaei.p@googlemail.com  
Managing editor: Sharareh Rezaei

مدیرمسئول: شراره رضایی

3rd Series, Issue 11

نشریه:

سری سوم، شماره 11  
March 2013

RahaiZan.org

عناوین:

یک میلیون نفر  
بباخیزید! 1

بنایه به مناسبت 8  
مارس سازمان رهایی  
زن 2

اطلاعه های مراسم  
8مارس در کشورهای  
مختلف 3

بنایه کمین سازمان  
رهایی زن گوتنبرگ  
(فارسی-سوندی)  
4-5

مصاحبه مینو همتی با میترا  
پورشجری از وضعیت پدر در  
زندان رژیم اسلامی سخن

می گوید 6-7

روزهای غم انگیزست

سیوان رضایی 7

پیامی به مناسبت روز 8 مارس

شراره رضایی (فارسی-آلمانی)  
8-9

لوگو 8 مارس طرح از سیوان  
رضایی 9

در رد نظرات و ادعاهای عضو  
سابق هیات مدیره سندیکای  
واحد

دیانا نامی و نظیره معماری  
10-11

"زن و ادیان" بخش دوم  
شهلا وکیلی 12

"خشونت بنهان"  
فاطمه پرنده 13

"8 مارس از قرن 19 تا 21"  
آزاده 14-15

سحر نیازی 15

گزارش آکسیون اعتراضی  
به مرگ Savita Halappanavar  
که به دلیل ممنوعیت سقط  
جنین در برابر سفارت ایرلند-  
بروکسل  
همراه با تصاویر 16-17

ناریخچه 8 مارس 18

ستون خبری 19

## یک میلیون نفر بباخیزید One Billion Rising



ایو انزلر نمایشنامه نویس، هنرپیشه  
تئاتر و فعال حقوق زنان، 15 سال پیش  
سازمانی بنیانگذاری کرد تا به فعالین  
حقوق زنان در سراسر دنیا و برای پایان  
دادن به خشونت علیه زنان و دختران  
یاری رساند. نام این سازمان وی دی  
میباشد.

ایو انزلر تصمیم گرفت پانزدهمین  
سالگرد تاسیس سازمان وی دی را با  
فراخوانی جهانی برای پایان دادن به  
خشونت علیه زنان و دختران جشن  
بگیرد. هدف بخیایان کشیدن یک میلیارد  
انسان در روز والتین در سراسر جهان  
بود.

طبق آمار از هر 3 زن یک زن تا پایان عمرش تجاوز، خشونت و ضرب و شتم، تجربه میکند. بنابراین تعداد زنان و دخترانی که مورد خشونت واقع خواهند شد به یک میلیارد نفر خواهد رسید.

از اینرو با ابتکار ایو انزلر جنبشی پا به عرصه وجود گذاشت که با تدارکی چند ماهه و از طریق رسانه های گوناگون و با کلام هنرمندان معروفی چون رابرت ردفورد و صدها هنرمند و فعال حقوق زنان این پیام را به گوش تمامی کسانیکه از خشونت به زنان و دختران بیزارند رساند.

یک میلیون نفر بباخیزید، با رقص، با اعتصاب بباخیزید و بخواهید که خشونت به زنان و دختران به یکباره پایان یابد.

روز عشاق امسال صحنه پایکوبی میلیونها زن و مرد برابری طلب و بیزار از خشونت به زنان و دختران گردید. باهم به گوشه هائی از این نمایش قدرت میلیونی جنبش رهائی زن در نفی خشونت به زنان و دختران مینگریم. جای بسی خرسندی است که شاهد بودیم، مردان و زنان جوانان در سراسر جهان دست دست یکدیگر برای پایان دادن به خشونت علیه زنان به جنب و جوش آمده اند.

فراخوان ما ادامه این حرکت در روز هشت مارس، روز جهانی زن میباشد.

**شعار ما خیابانها و پشت در های بسته برای زنان سراسر جهان، امن!**

لینک برای مشاهده گزارش:

<http://youtu.be/UWnfA73cS20>

**توجه:** نظر به اینکه نظراتی در سطح جامعه مطرح میشوند که نیازمند پاسخگویی و حلاجی در برخورد آزادانه عقاید دارد و بعضا این نظرات مغایر با اهداف و سیاستهای رهائی زن نیز هستند، از این شماره مبادرت به گشودن "ستون تریبون آزاد" نموده و اینگونه نظرات را در این ستون منتشر کرده و در همینجا از فعالین حقوق زنان و بخصوص فعالین رهائی زن میخواهیم که در پاسخگویی به این نظرات کوشا باشند.

با سپاس مینو همتی

**8 مارس روز جهانی زن گرامی باد!**

فرارسیدن روز جهانی زن بی اختیار تقویم سالی که گذشت را از جلوی چشمانمان ورق میزند. تصاویر رژه زنان روز 8 مارس در خیابانها با پرچمها و شعارهای برابری طلبانه و رنگارنگ، یکروز باشکوه و مملو از اراده مشترک مردان و زنان آزادیخواه و برابری طلب را در ذهن نقش مینند.

لیکن این تقویم در روزها و هفته ها و ماههای بعد دنیای نکستی را بتصویر میکشند که نه تنها از برابری خبری نیست، نه تنها میلیونها زن و دختر بچه سرنوشتشان با انواع بردگی، از بردگی جنسی گرفته تا بیگاری در پس ازدواجهای اجباری گره خورده است، گره کوری که توسط پاسداران سنت، جهالت و استثمار حفاظت میشود. بلکه سایه امنیت اجتماعی و جانی نیز از سر زنان کم شده است.

ترور ملاله یوسف زای در پاکستان، صرفا بخاطر تلاش این نوجوان برای بازنگهداشتن مدارس دخترانه در مناطق طالبان زده پاکستان، مهر ننگ دیگری بر پیشانی مرتجعین اسلامی زد.

هند با نمایان شدن نوک کوه یخ تجاوز به زنان و دختران از پس تجاوز گروهی و قتل دختر جوان در آن شبه قاره بلرزه درآمد. با اینکه این فجایع با حرکات اعتراضی زنان در هند روبروشد، پدیده ناهنجارتری را که همانا کپی برداری از این فجایع بود را نیز شاهد بودیم.

مورد هند باعث شد که مسئله تجاوز جنسی و ناامنی اجتماعی و خشونت علیه زنان به بحث روز در رسانه های کشورهای گوناگون تبدیل شود. با توجه به برانگیخته شدن حساسیت عمومی به این موضوع، تلاش کنیم 8 مارس امسال را با مطالبه برحق تامین امنیت اجتماعی برای زنان آغاز کنیم و تا 8 مارس 2014 آنرا در دستور کار روزانه خود در دنیای مجازی و واقعی قراردهیم.

**خیابانها و پشت درهای بسته برای همه زنان در سراسر جهان امن!****زنده باد 8 مارس، روز جهانی زن!****سازمان رهایی زن****Viva March 8, the International Women's Day!**

Approaching the International Women's Day's, unconsciously reminds us the last year's calendar of events. Images of women marching through the streets with colorful banners and egalitarian slogans on March 8, illustrate a brilliant day of presentation of determined egalitarian and freedom lovers men and women.

But the calendar in days, weeks, and months afterwards, demonstrates the crummy world in which, not only there is no equality, not only the fate of millions of women and girls involving slavery, ranging from sexual slavery, forced labor, forced marriage, protected by the Guards of reactionary traditions, ignorance and exploitation, but the social security and the safety of the women's lives have been deteriorated.

Islamic reactionaries' attacks to the rights and dignity of women in Egypt and Tunisia have culminated, though responded by the women's rights activists in these countries.

In the Islamic stricken Iran, in spite of defending women's rights is yet a crime, the struggles of the women's rights activists, though chuckled, and continued which causing misery for the God's representatives on the earth, the Islamic Government.

The Terror of Malala Yousafzai in Pakistan, only for the efforts of this teenage girl for advocating the reestablishments of the schools for the girls, in the Taleban stricken regions of Pakistan, caused another disgrace and humiliation on the face of the Islamic reactionaries.

The public rage of protests and demonstrations in India, after the raping and murdering of a young girl by a group of men, caused the semi continent of India trembled. Despite the protests and demonstrations of women in India, another replication of the same atrocities events happened.

Our effort for the International Women's day in this year will be focused on the demanding for the right of social and security, "privacy," "gender free politics" for the women and plan this demand in our, virtual or real world agenda.

**Secure and safe the streets for women around the world and their private lives!****Long Live 8 March, the International Women's Day!****The Organization for Emancipation of Women**

RahaiZan.Org سازمان رهایی زن  
The Organization for Emancipation of Women

# سازمان رهایی زن

**ایست! بدن من متعلق به من است!**

تظاهرات روز جهانی زن  
جمعه ۸ مارس ۲۰۱۳ - استکهلم  
تظاهرات ساعت ۱۸:۰۰  
مکان: SÖDERMALMSTORG  
تلفن تماس:  
رعنا کریم زاده ۰۷۳۹۲۸۶۸۴۲

توجه، توجه  
اصلاحیه

در بهار آزادی  
جای حق زن خالی

به مناسبت ۸ مارس

## آزادی و رهایی جامعه جای حق زن؟

کنفرانسی از سازمان رهایی زن  
۱۰ مارس ۲۰۱۳ استکهلم

درکنفرانس سازمان رهایی زن برای بحث و تبادل نظر شرکت کنید!

استکهلم - سوئد  
ABF, Handterminalen 3  
یا پیندلنوک از مرکز شهر:  
pendeltåg Västerhaninge  
Handen  
ایستگاه: ۲۰۱۳  
زمان: یکشنبه ۱۰ مارس  
ساعت: ۱۴:۰۰  
تماس تلفنی:  
رعنا کریم زاده ۰۷۳۹۲۸۶۸۴۲  
سو ۰۷۳۹۲۸۶۸۴۲

سخنرانان:  
1- مینور همتس  
2- تریا کشیاس  
3- دیانا تامی  
4- رعنا کریم زاده

سازمان رهایی زن  
Markazi@rahaiZan.org

# رهایی زن رهایی جامعه است

زنده باد ۸ مارس، روز جهانی زن!  
Long Live March 8, International Women's Day!

سازمان رهایی زن  
The Organization for Emancipation of Women

## تظاهرات به مناسبت روز جهانی زن

جمعه ۸ مارس ۲۰۱۳  
شروع ساعت ۱۷:۳۰ در میدان Gustaf Adolf  
ساعت ۱۸:۰۰ راهپیمایی به طرف Götaplatsen

تلفن تماس:  
سوران رضایی 0739241383  
نشیمیل نقاحی 0767166001

ایست!  
بدن من متعلق به من است!

سازمان رهایی زن - گوتنبرگ

سازمان رهایی زن  
The Organization for Emancipation of Women

۲۰۱۳

خیابانها و پشت درهای بسته برای زنان سراسر جهان، امن!

سازمان رهایی زن به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن در کن مراسم برگزار میکند

موضوع سخنرانی: خشونت و تعرض جنسی به زنان  
سخنران: شراره رضایی فعال جنبش زنان  
پایزایی: شام و نوشیدنی همراه با رقص و موزیک

مکان: Alte Feuerwache Melchiorstr. 3, 50979 Köln  
زمان: شنبه ۰۹/۰۳/۲۰۱۳  
از ساعت: ۱۸ تلفن تماس: 01774912482

از همه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب دعوت میشود تا در مراسم گرامی  
داشت ۸ مارس شرکت کنند

## هشت مارس امسال سرآغاز کمپینی برای مبارزه با بربریسمدردن در سوئد

### درباره آمار تکان دهنده " تجاوز جنسی "

در چند روز گذشته و به مانند سالهای پیش ، یکی از بحث های رسانه ها در سوئد آمار تکان دهنده تجاوز در این کشور است که در جهان و در چند ساله ی اخیر در رتبه های بالای نمودار تجاوز جنسی قرار می گیرد. طبق آمار منتشر شده ای که تنها از طریق طرح شکایات در اداره پلیس به دست آمده در آخرین آمار اشاره به 6509 مورد " تجاوز" در سال دارد. به این آمار رسمی میزان تجاوزهایی که بنا به دلایل مختلف به پلیس گزارش نشده است را اضافه کنید . سیر صعودی این آمار در سال به بیش از 500 مورد می رسد.

### جهانی از همیشه نا امن تر برای زن در مهد دموکراسی!

به راستی این سونامی انسانی که از هند گرفته و تا سوئد را درنوردیده است ، هنوز ما را مجاب نکرده که در برابر این توحش عنان گسیخته سنگری واحد و در دفاع از انسانیت و مدنیت بگیریم ؟ خشونت های جنسی که اکثرا با قتل و جنایت بر علیه زن همراه است ، مرز نمی شناسد . به اینها تمام نابرابری های اقتصادی و اجتماعی دیگر بر علیه زن را حساب کنید تا متوجه شوید زن بودن در این دنیا و با این سیستم های موجود اعم از مذهب و سرمایه داری چه انتخاب سخت و زجرآوری است. مبارزه آگاهانه، پیگیر و متشکل زنان و همچنین وادار کردن سیستم حاکم در سوئد به جوابگو بودن در این مورد تنها راه حل موجود برای پس زدن این فشار روز افزون است .

دولت دست راستی سوئد سیاست های اشتباه و ناکارآمدی را در ایجاد فضایی امن و خارج از وحشت برای زن در پیش گرفته که از عوامل اساسی این فاجعه است و ما از چنین سیستمی انتظار رسیدگی خودبخودی به حق و حقوق انسانی در جامعه را نداریم. قدر مسلم اگر سیستم حاکم در مقابل سنوال و فشار جدی از طرف جامعه و سازمانهای فعال موجود قرار نگیرد، این وضعیت هر روز وخیم تر می گردد.

### ما ایستاده ام، مبارزه می کنیم و حق خود را می گیریم!

-امنیت ، آرامش و برابری کامل و همه جانبه حق مسلم زن است . هر فرد، گروه و دولتی که چه مستقیم و یا غیر مستقیم باعث سلب این حقوق شود ، خود مجرم است !

- به پیشواز 8 مارس می رویم و به مانند "سازمان رهایی زن " این را تعهد خودمان می دانیم که با تمرکز بر روی معضلات جامعه سوئد همگام با دیگر سیاستهایمان رو به ایران از تمام انسانهای آزادیخواه و معتقد به برابری کامل انسانها دعوت می کنیم همراه هم جبهه ای مشترک را سازمان دهیم تا بتوانیم قدر و منزلت انسانی را که هر روز بیشتر مورد هجوم قرار می گیرد را به جامعه باز گردانیم. این مهم بدون مبارزه ی مستمر و همه جانبه ما میسر نیست. ما برای بازگرداندن شب های بی وحشت در خیابان های سوئد دست هر جمع و گروه انسانی هم هدف خود را می فشاریم .

- دولت سوئد و ارگانهای مربوطه اش را باید به چالش کشید و به پاسخگویی واداشت. ما از تمام نیروی خود برای این مهم استفاده خواهیم کرد!

- این سرآغاز کمپینی است بر علیه رشد روزافزون تجاوز جنسی در سوئد و رسالت خود می دانیم تا رسیدن به راهکار مناسبی برای توقف این معضل از پا نشینیم.

- از همین طریق ، تمام سازمان های مدافع حقوق زنان و هر انسان آزادیخواه و معتقد به دنیایی عاری از نا برابری و انقیاد جنسی را خطاب قرار می دهیم که در این راه آماده هر گونه همکاری مناسب و درخور هستیم .

به امید دنیایی عاری از تجاوز!

سازمان رهایی زن / واحد گوتنبرگ 03/03/2013

Email: [kvinnors.f@gmail.com](mailto:kvinnors.f@gmail.com)

Tel: +46739241383

**8 مارس روز جهانی زن ، سنبل آزادی خواهی و**

**برابری طلبی زنان است**

## **8 mars 2013, den internationella kvinnodagen början på en kamp mot barbariska trenden i det moderna samhället!**

### **(Om mörkertal av våldtäkter i Sverige!)**

Dagens debatt i medier är lika aktuellt om våldtäkter och dess ökande takt i svenskt samhälle som de senaste åren. Enligt färsk statistik står Sverige ganska högst upp i listan bland andra länder i världen när det gäller våldtäkter. Det visar att 6509 fall har registrerats hos polisen som anmälts förra året. Man kan tillägga ca 500 fall till som av olika anledningar har inte anmälts.

### **En ännu otryggare värld för kvinnor i ” hjärtat av demokrati”.**

Det är nämligen ett tsunami liknande har uppstått från Indien till Sverige men det har ändå inte övertygat oss att förstå och förstärka vår fäste till försvar av human och civilrätt för att agera mot den barbariska trenden! Den nya vågen av våldtäkter och våldsamheter som ofta kopplas till kriminalitet och mord mot kvinnor, känner inga gränser! Om man påminna de ekonomiska och sociala diskrimineringarna mot kvinnor i dagens samhälle, samt förtryckta kapitalistiska och religiösa systemen, förstår man hur eländigt kan det vara, att vara en kvinna!

För att minska den farhågor mot kvinnor i samhället är att pressa på staten för att staten ta ansvar i sin tur och använda alla möjliga resurser. Det enda vägen att tvinga staten agera är att förena oss i organiserad, målriktad kamp mot allt detta! Den högre borliga regeringen har redan skapat en otrygg miljö för kvinnor med felaktiga och naiva politiken mot den ökande vågen av våld som är inte oväntad heller. Om ansvariga politiker inte ifrågasätts av samhället och dess aktiva organisationer, situationen ännu mer förvärras!

### **Vi står och kämpar för våra rättigheter!**

-Säkerhet, trygghet och fullständigt jämlikhet är självklart, kvinnors rättigheter. Från vilket håll, av personer, grupper eller myndigheter bryts mot de grundläggande normer, är det brottbelagda och bör följes upp.

-Vi ”kvinnors frigörelse organisation” i samband med den 8 mars, känner vi oss som pliktskyldiga att fokusera på det här samhälls problematiken, då utropar vi alla frihets älskare och jämlikhetsbörda till en förenade kamp för att återhämta människans heder och värde som dagligen trampas! Kampen ska göras tillsammans och effektiv, vi är bereda för samarbete med alla som vill återskapa trygga kvällar på gator och torget för kvinnor i samhället.

- Svenska staten ska sättas till svar, vi använder all vår kraft för det. det kan vara början av en större kamp mot våld och ofredande, vi har en plikt tills vi lyckas med lämpliga lösningar.

-På detta sätt utropar vi alla berörda organisationer och personligheter, som brinner för en värld utan köns diskriminering, att vi kan samarbeta!

**Vi hoppas på en värld utan våld och ofredande!**

***Kvinnors frigörelse organisation (distrikt Göteborg) - 2013-03-03***

**Email: [kvinnors.f@gmail.com](mailto:kvinnors.f@gmail.com) Tel: +46739241383**

بدی است و پدر با افراد شرور و جنایتکار همبند بودند که من خودم وقتی در ایران بودم به این وضع فجیع پدرم اعتراض کردم ولی متأسفانه آنها گفتند که او را به عمد در آن شرایط گذاشتند تا به عنوان شکنجه ی سرد یا فکری میان زندانیان جانی باشد.

تا اینکه پدرم در مهر ماه امسال سکنه قلبی کردند؛ البته مشکلات جسمی خیلی زیادی داشتند؛ مثل سنگ کلیه، ورم پروستات و دیسک کمربند... که ما برای رسیدگی به آنها تلاش میکردیم که ناگهان سکنه قلبی تمام این مسائل و وضع جسمی پدرم را زیر سوال برد. پدرم تا الان دو بار سکنه قلبی کردند و تمام پزشکان بهداری ندامتگاه تایید کردند که پدر نمی تواند داخل زندان بماند و باید عمل قلب باز شوند. ولی با تمام تلاش هایی که کردیم و فشاری که روی من بود و مجبور شدم سه ماه پیش ایران را ترک کنم، باز هم در خارج از کشور هر کاری که برای پدر و اطلاع رسانی باید انجام میدادم که دادستان کرج با عدم تحمل کیفر پدرم موافقت کند، ولی متأسفانه تا الان موفق نشدیم که این کار را انجام دهیم.

**- مینو همتی: خانم میترا پورشجری! من امروز متوجه شدم که پدر شما از زندان یک مکالمه تلفنی با شما داشتند؛ لطف کنید در مورد وضعیت جسمی ایشان برای بینندگان توضیح دهید.**

- میترا پورشجری: بله، امروز من با پدر صحبت کردم و ایشان گفتند که من را به پزشکی قانونی بردند و هفته پیش آزمایش کردند و آنها هم تایید کردند که دو تا از رگ های قلب پدرم کاملاً بسته شده و هشتاد و پنج درصد از شریانات قلبیشان دچار مشکل است و ادامه زندگی را برایشان سخت کرده و نا امید کننده است.

امروز که آخرین خبر را از وضعیت پدر داشتم، گفتند که دیروز آزمایش هایی رویشان انجام شده که امروز صبح به خاطر اینکه جواب آزمایش ها نا امید کننده بوده، به پدر دارویی تزریق کردند فقط برای اینکه زنده بماند و این دارو عوارض و خطرات وحشتناکی دارد؛ یکی اینکه گفته اند تا یک سال آینده اگر مجبور شویم که دوباره این دارو را برای قلب تزریق کنیم، معده را سوراخ می کند و دیگر هیچ دارویی نمی توانند برای پدرم تجویز کنند مگر اینکه ایشان را عمل قلب باز کنند.

**مینو همتی: پدر شما - آقای محمد رضا پورشجری - چه مدتی است که در زندان هستید، به چه جرمی دستگیر شدند و در حال حاضر در چه وضعیتی به سر می برند؟**

- میترا: پدرم محمد رضا پورشجری با نام مستعار سیامک مهر، وبلاگی بنام گزارش به خاک ایران داشتند که نزدیک به دو سال و نیم پیش در 21 شهریور 89 در کرج، خانه مسکونی خودشان با یورش ماموران وزارت اطلاعات دستگیر شدند و مدت هشت ماه ما از پدر بی اطلاع بودیم و هیچ خبری نداشتیم. خود من را هم بارها به خاطر نوشته ها و فعالیت هایی که پدرم داشت و صحبت هایی که با رسانه ها می کردم در مورد دستگیری پدر و تهدیدهایی که برای عدم مصاحبه میکردند، بازجویی کردند.

هشت ماه از پدر اطلاعی نداشتیم تا اینکه ملاقاتی داشتیم و برای اولین بار پدرم را در دادگاه دیدم و ایشان به من گفتند که هشت ماه است که در انفرادی و زیر شکنجه برای گرفتن توبه نامه و مسائل دیگر هستیم. ایشان را به بدترین شکل شکنجه کردند، دو بار اعدام نمایشی کردند و پدر من یک بار دست به خودکشی زد. بعد از آن، دادگاه به ایشان به دلیل: "توهین به مقام معظم رهبری" و "اقدام علیه امنیت ملی" سه سال حکم دادند. و بعد از آن هم برای "توهین به مقدسات و ائمه" دادگاه دیگری تشکیل دادند که در آن دادگاه نیز به یک سال و در مجموع به چهار سال حبس محکومشان کردند.

به دلیل فعالیت هایی که پدرم در زندان رجایی شهر داشتند، ایشان را به زندان ندامتگاه کرج تبعید کردند که زندان فوق العاده بد و با شرایط



**میترا پورشجری از وضعیت پدر در زندان رژیم اسلامی**

**می گوید**

**(متن مصاحبه ی دختر وبلاگ نویس زندانی -محمد رضا پورشجری- با مینو همتی)**

**مینو همتی:**

دستگیری و ارباب، ضرب و شتم روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان و فعالین مدنی، کماکان در حکومت اسلامی ادامه دارد. در هفته های اخیر همچنین بدون اعلام هیچ دلیل و جرمی، خبر بازداشت 15 روزنامه نگار منتشر شده است و بدتر از آن اینکه موج جدید از بازداشت های دیگری با اتهامات واهی در راه است.

در این ارتباط با میترا پورشجری، فرزند یک وبلاگ نویس و فعال حقوق مدنی که پدرش به مدت دو سال است در زندان های رژیم اسلامی اسیر می باشد، گفتگویی داریم.

**مینو همتی: با سلام خدمت شما میترا پورشجری، خوش آمدید به برنامه ی رهایی زن.**

- میترا پورشجری: با سلام خدمت شما و خیلی ممنون که من را به این برنامه دعوت کردید.

**مینو همتی: میترا عزیز! به هر حال میدانم که شرایط بسیار سختی است برای شما به عنوان تنها فرزند این خانواده که می بینید پدرتان در بند اسیر است و از وضعیت جسمانی بسیار وخیمی در رنج است، این صدا و تصویر به سراسر جهان می رسد و به بسیاری از نهادهای بین المللی ارسال می شود، شما بگویند که خطاب به سازمان ها و نهادهای حقوق بشری چه صحبتی دارید؟**

- میترا پورشجری: من به عنوان تنها فرزند پدرم و کسی که به دلیل اندیشه های پدرم الآن خودم آواره شدم و اینکه تنها خواسته ام این بوده که در ایران فقط پدرم را ملاقات کنم و متأسفانه محروم شدم و الآن برای من خیلی سخت است که اینجا دور از اینکه هیچ کاری نمی توانم برای پدرم انجام دهم، باید صدای پدرم را بشنوم و با کمال نا امیدي امروز به من زنگ بزنند و از من خداحافظی کند که شاید دیگر نتواند با من حرف بزند. من از تمام افرادی که می توانند با اطلاع رسانی و فشار آوردن روی رژیم -جدا از هر عقیده و نظری که آن زندانی سیاسی دارد- به آزادی پدرم و اینکه بتوانیم سلامتی را دوباره برگردانیم، کمک کنند.

**مینو همتی: شما خودتان هم به علت اینکه وضعیتتان به لحاظ امنیتی به خطر افتاده بود، ایران را ترک کردید؟**

- میترا پورشجری: به دلیل اینکه پدر نامه هایی می دادند و من منتشر می کردم یا از بقیه زندانیان سیاسی دفاع می کردیم یا گزارشی تهیه می کردیم و به رسانه ها می دادیم، متأسفانه من هم برای امنیت داخل کشور مشکل داشتم.

**مینو همتی: به امید آزادی یکایک فعالین حقوق مدنی و از جمله ویلاک نویسان و از جمله پدر شما آقای محمد رضا پورشجری، شب و روز خوشی را برایتان آرزو می کنم.**

میترا پورشجری: خیلی ممنونم از شما و به امید آزادی همه زندانیان سیاسی.

<http://youtu.be/CbDJ0tk6v7I>

**لینک مصاحبه با تلویزیون رهایی زن :**

روز هشت مارس 1875 زنان کارگر کارخانجات نساجی در شهر نیویورک برای بهبود شرایط کار و در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزدها دست به تظاهرات زدند، پلیس آمریکا بطور وحشیانه به این تظاهرات حمله کرد و آنرا سرکوب نمود و عده ای از زنان تظاهرکننده زخمی و دستگیر شدند.

سال ۱۹۱۲ "دبیرخانه بین المللی زنان" (یکی از نهادهای انترناسیونال سوسیالیستی دوم)، هشتم مارس را با خاطره مبارزه زنان کارگر در آمریکا، به عنوان «روز جهانی زن» انتخاب کرد.

متأسفانه روز جهانی زن در بسیاری از مناطق جهان محتوای واقعی خود را از دست داده و به مراسمها و جشنها تنزل پیدا کرده است و در این روز مردها برای همسران خود با تقدیم یک شاخه گل این روز را به آنها تبریک می گویند .

**روزهای غم انگیزی ست  
به مناسبت روز جهانی زن**

**سیوان رضایی**

اما روز جهانی زن، روز جشن و پایکوبی و یا حتی روز تقدیم یک شاخه گل به یک زن نیست، روز مبارزه علیه نابرابری حقوقی، اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و جنسی است که سیستم حاکم بر جهان ما باعث و بانی این نابرابری است.

نمی توان روز زن را جشن گرفت در صورتی که ما هر روزه شاهد اذیت آزار و تجاوز جنسی به زنان هستیم . روز جهانی زن و همه روزهایی که ما سپری میکنیم روزهای غم انگیزی بویژه برای زنانی است که مورد تجاوز و بیحرمتی قرار می گیرند و به عنوان کالا در بازارهای سکس خرید و فروش می شوند، روزهای غم انگیزی است که به خاطر دوست داشتن سنگسار می شوند ، روزهای غم انگیزی است که به خاطر زن بودن تحقیر می شوند، روزهای غم انگیزی است که اسید پاشیدن بروی صورتشان هر لحظه زندگی آنها را تهدید می کند، روزهای غم انگیزی است که هر روزه شاهد هزاران مورد تجاوز و قتل زنان هستیم . حقیقت جهان امروز ما، نا امن بودن هشت مارس و همه روزهای دیگر بویژه برای زنان است .

به عنوان یک سوسیالیست این روز و روز های غم انگیز را به هیچ زن و مردی تبریک نمی گویم و به مناسبت این روز از همه انسانهای که علاقه ای به این روزهای غم انگیز ندارند می خواهم که به صف مبارزه بر علیه نابرابری و مبارزه برای بدست آوردن برابری کامل زن و مرد بیوندند، باشد که با رهائی واقعی زن بر روی این کره خاکی بتوانیم با افتخار و سرب بلند سالروز هشت مارس را به روز شادی و شمع در کل دنیا تبدیل کنیم ، تا به آیندگان و فرزندانمان بتوانیم بگویم که نسل بشر توانست با مبارزه پیگیر و بی امان دنیایی به دور از هر ظلمی برای هموعش به خصوص زنان بسازد . تا آن زمان چه هشت مارس و چه روزهای دیگر را باید به روزهای مبارزه علیه این سیستم نابرابر و فرهنگ مردسالار تبدیل کنیم.

روز تبریک گفتن روزی است که دیگر شاهد این فجایع و روزهای غم انگیز نباشیم / 1مارس 2013

**زنده باد 8 مارس، زنده باد آزادی و برابری!****پیام شراره رضایی به مناسبت 8 مارس (فارسی-آلمانی)**

8 مارس روز اعتراض به نابرابری زن و مرد است. نابرابری ای که بیش از ۴۰ میلیون زن و دختر ایرانی و صدها میلیون زن، در دیگر کشورهای اسلام زده، هر لحظه در زندگیشان لمس می کنند.

34 سال است در مملکت ما ایران، کفایت زن باشی، تا پلیس و آخوند محله با کتاب شرع و قانون اسلامی سراغت بیایند و مدام یادآوری کنند که فراموش نکنی زنی. تا تحقیرت کنند، مورد توهین و آزارت قرار بدهند و در خصوصی ترین زوایای زندگیت از لباس تا آرایش و راه رفتن و معاشرت و دوستی با جنس مخالف دخالت کنند.

به عنوان زن و جنس پست تر از مردان جدایت کنند، نصف مرد و مُلک و ناموس کسی که میتواند کتکت بزند، صیغه و چند همسری را قانون زندگی نیمی از انسانهای جامعه ات کنند و فعالین حقوق زنان تحت پیگرد و فشار پلیسی قرار گرفته و زندانی شوند، برایشان وثیقه های سنگین تعیین کرده و یا ممنوع الخروج شوند.

در مقابل این توحش و آپارتاید جنسی و مصیبتهایش، اعتراض و مخالفت، جزئی از زندگی روزمره زنان جامعه ی ماست. زندگی دو نسل جامعه ما را، کشمکش اجتماعی و انسانی تشکیل داده است که حاکی از افتخار و غرور و در همان حال سرشار از تراژدی انسانی است.

مقاومت، مبارزه و اعتراض زنان و دختران در خیابان و مدرسه و دانشگاه و در مقابله با گروههای منکرات و حراست مدرسه و ادارات و کارخانه و با هر چه مظاهر شرعی و ضد زن، وجه افتخار و غرور آمیز زندگی است.

در این جنگ و جدال، زنان و دختران جوان تعقیب و دستگیر و زندانی و شکنجه می شوند، در زندانها مورد تجاوز قرار می گیرند شلاق و اعدام و سنگسار، تهدیدشان می کند. و این وجه ی تراژدی انسانی این زندگی است.

در این مملکت برای هر چیز ولو کوچک باید جنگید. برای نان، برای آزادی بیان، برای شادی، برای حفظ حرمت انسانی، حتی برای لباس پوشیدن آزادانه، برای آتش روشن کردن و شادی چهارشنبه سوری، برای جشن سال نو، آرایش کردن، رقص و آواز خواندن باید جنگید. و در این جنگ و جدال اجتماعی دختران جوان با پافشاری کم نظیری بر علیه حجاب اسلامی غلبه کرده اند. بسیاری از قوانین شرعی و اسلامی در عمل از طرف زنان و دختران جوان زیر پا نهاده شده اند. پسران و دختران، مرزهای مذهب و شریعت را در هم شکسته و رابطه آزاد و انسانی و زندگی مستقل زیر یک سقف را عملی کرده اند.

نابرابری و تبعیض جنسی در قلب دنیای متمدن، در کشورهای غربی تحت عنوان "نسبیت فرهنگی" چشم پوشی و حتی تقدیس می شود. گویا زنان و دختران قربانی حکومتهای اسلامی، خودشان این نابرابری را پذیرفته و انتخاب می کنند! این توهین بزرگی به ما و به کل بشریت است. حق زن، حق جهانشمول انسان است. مسلمان و غیرمسلمان و سیاه و سفید ندارد. عامل زن ستیزی و نابرابری زن و مرد، "فرهنگ مردم" نیست. نظام و سیستمی است که از آن سود میبرد.

اگر برای یک روز، یک ساعت، زور و اسلحه و پلیس و زندان و اعدام را از سرجامه ما بردارند، برابری طلبی مثل آتشفشان از عمق جامعه بیرون می زند.

**رفقا و دوستان عزیز!****روزی می رسد و در یکی از روزهای 8 مارس زنان و مردان برابری طلب مملکت ما به دنیا اعلام خواهند کرد:**

آپارتاید جنسی و همه قوانین تبعیض آمیز جمهوری اسلامی لغو می شوند.

حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زن و مرد یکی است.

اختیار و حقوق زن بر جسمش، بر خانواده اش، بر محیط زندگی اش و بر محیط کارش با مرد برابر است.

به امید روزی که نظام تبعیض و نابرابری سرمایه داران و بردگی مزدی کارگران پایان یابد. چرا که رهایی کامل زن در گرو رهایی طبقه کارگر است و رهایی زن، رهایی جامعه است.

**Es lebe den 8. März, Es lebe die Freiheit und die Gleichheit**

Der 8. März ist ein Protesttag gegen die Ungleichheit zwischen Frauen und Männern weltweit. Die besondere Ungleichheit im Iran bekommen nicht nur die mehr als 40 Millionen Frauen und Mädchen im Iran täglich zu spüren, sondern Hunderte Millionen von Frauen und Mädchen in allen islamisch geprägten Staaten leiden darunter.

Seit 34 Jahren ist in unserem Land, Frau zu sein, Grund genug, um dich mit religiöser Begründung zu erniedrigen und sich in deine privatesten Lebensbereiche, wie Partner-, Kleider- und Arbeitswahl einzumischen. Vor dem Gesetz ist die Frau nur halb so viel Wert wie der Mann. Sie wird als sein Besitztum angesehen. Häusliche und staatliche Gewalt gehören zu Tagesordnung.



Trotz der herrschenden Geschlechterapartheid im Iran setzen sich immer mehr Frauen mutig gegen diese unmenschlichen Verhältnisse zur Wehr. Ihre Ungehorsamkeit und Proteste gehören zu ihrem täglichen Leben. Insbesondere die jungen Frauen und Mädchen mißachten zunehmend die staatlich vorgeschriebene Kleiderordnung oder Geschlechtertrennung. Dies gehört zu einem Teil ihres ständigen Kampfes gegen die Regierung. Ihr Widerstand erfüllt uns mit Mut und Stolz. Andererseits ist er verbunden mit tragischen menschlichen Schicksalen. Denn dort erwartet die Frauenaktivisten und Menschenrechtlerinnen Gefängnisstrafe mit Folter und Auspeitschung, Vergewaltigung und gar Hinrichtung.

In den westlichen Ländern wird diese unwürdige Unterdrückung der Frauen im Iran mit dem Begriff „kulturelle Unterschiede“ verschleiert oder sogar verherrlicht. Als ob man jemals die Meinung der Frauen zu ihrer Ungleichheit gefragt hätte oder sie sich freiwillig dazu entschieden hätten. Das ist für uns Frauen nicht akzeptabel. Die Gleichheit zwischen Frauen und Männer ist ein universelles Menschenrecht.

Die Ursache der Ungleichheit oder Frauenfeindlichkeit hat nichts mit den kulturellen Unterschieden der Völker zu tun. Die Ursache der Unterdrückung liegt im gesellschaftlichen System, das davon profitiert.

### Liebe Freunde und Mitstreiter

Heute rufen wir unsere Forderung der Gleichstellung von Männer und Frauen in die Welt hinaus und wünschen uns den Tag:

- an dem alle frauenfeindlichen Gesetze im Iran und weltweit abgeschafft werden,
- an dem alle bürgerliche, politische und soziale Rechte für Frauen und Männer gleichermaßen gelten.
- an dem die Frau selbst über ihren eigenen Körper, ihre Familie, Umwelt und die Arbeit frei und gleichberechtigt entscheiden kann.

Wir streben den Tag an, an dem, jegliche Diskriminierung abgeschafft und die Lohnungleichheit, ungerechte Kapitalverteilung auf der Welt beseitigt ist.

Ich denke: Die endgültige Befreiung der Frau ist nur mit der Befreiung der Arbeiterklasse möglich. Die Befreiung der Frauen ist die Voraussetzung für eine befreite, humane Gesellschaft.

Sharareh Rezai

8. März 2013



**رهايي زن، تنها با رهايي انسان و در**

**بيان اقتصادي آن؛ با رهايي کار از**

**سرمایه میسر است.**

کلارا زتکین

سیاستمدار سوسیالیست و از بنیان گذاران 8 مارس

نامه سرگشاده منصور حیات غیبی، عضو سابق هیات مدیره سندیکای واحد تهران و حومه، به سازمان ملل در ترکیه دارای نکات بسیار مهمی است. روی نکاتی از این نامه لازم است مکتب کرد تا استنتاجات عملی این نظر و عملکرد آقای غیبی را بیشتر متوجه بشویم. در واقع مهم است که هیات مدیره سندیکای واحد و اعضای این سندیکا در مورد اظهار نظر این عضو سابق هیات مدیره و رفیقشان پاسخ و قضاوت کنند. فکر میکنیم این توقع بسیار ابتدایی باشد از یک سندیکای کارگری که سراپای وجود خود و اعضایش بر علیه ظلم و بی عدالتی و قوانین ارتجاعی است.

*آقای منصور حیات غیبی به سازمان ملل در ترکیه مینویسند که: "شخصی به نام منصور اسانلو با اغفال و و فریب همسر مریم ضیا او را از مرزهای غیر قانونی جمهوری اسلامی عبور داده و..." (از نامه آقای حیات غیبی به سازمان ملل- این نامه در پایین صفحه ضمیمه است)*

منصور حیات غیبی یک "جنایتکار" و یک "آدم‌ربا" را دارد به سازمان ملل معرفی میکند. آقای حیات غیبی منصور اسانلو که زندگی اش بعنوان یک کارگر رنج کشیده و به عنوان یک مبارز و یک رهبر کارگری برای دوست و دشمن شناخته شده است، معرفی میکند. او انتظار دارد به این عنوان با وی رفتار شود. این واقعیت ندارد و این ادعا قبل از هر چیز منصور حیات غیبی را در کنار دادگاه های شرعی در ایران قرار میدهد که البته و متأسفانه با افتخار چنین موقعیتی را پذیرفته است. قبح مساله در این است که در کنار این ادعا، مریم ضیا نه به عنوان یک فرد، یک انسان مستقل و یک زن بلکه بعنوان "همسر" ایشان و بعنوان دارایی و ملک و مال ایشان که دزدیده شده و اغفال شده و فریب داده شده معرفی میشود. در این یکی هم ذره ای از واقعیت وجود ندارد و یک خروار توهین و تفکرات ضد زن بیرون زده شده است. مریم ضیا مانند همه زنان و بسیاری از زنان آگاه و پیشرو در مبارزات کارگران و زنان برای احقاق حقوقش مبارزه کرده است، شناخته شده است و بعنوان یک مادر افتخاری که بر اثر این مبارزاتش نصیبش شده است را خیلی ها ندارند، مریم ضیا لابد مانند بسیاری از زنان جامعه ما و خیلی از جوامع دیگر در دنیا تا هم اکنون شانس زندگی ازاد و برابر را پیدا نکرد، این انتخاب را بهر دلیلی نداشت و مدتی را هم در زندانی به اسم خانواده با فردی بنام حیات غیبی گذرانده است!

**در رد نظرات و ادعاهای  
عضو سابق هیات مدیره  
سندیکای واحد**

**دیانا نامی و  
نظریه معماری**

**حیات غیبی در جای دیگری در وبلاگشان نوشته اند که " آیا زن فمینیست در جامعه لیبرالی و بی جان سرمایه داری می خواهد آزاد شود ؟ ملعبه و اسباب بازی جامعه مرد سالاری شود ؟ آزادی زن در چنین جوامعی شعار بیست نیست"**

همین اظهار نظر ایشان را در کنار اغفال شدن و فریب خوردن مریم ضیا بگذارید واقعا چه نتیجه ای از این گرفته میشود؟ آیا جامعه "لیبرالی و بی جان سرمایه داری" که ایشان معرفی میکنند و در سنت ارتجاعی مردسالار و مذهبی به زن رایج است، نگاهش به زن مانند حیات غیبی است؟ آیا واقعا نباید هزار بار این "جامعه لیبرال و بی جان سرمایه داری" را به جامعه جان دار و دادگاه های شرع آقای حیات غیبی و کیهان شریعتمداری ترجیح داد؟ اظهارات شکر الود آقای حیات غیبی در مورد یک زن که مدتی را هم در اسارت چنین مردی بوده است نباید از محیط کارگران و ازادیخواهان طرد کرد؟ کسی که ابتدا به ساکن یک زن را انسان محسوب نمیکند عمیقا مردسالار، عمیقا برده و عمیقا ضد زن است. این تصویری که آقای حیات غیبی از جامعه غربی میدهد که زن اسباب بازی دست مرد و جامعه است چه اندازه مصداق نظر و عملکرد خود آقای حیات غیبی و مردان مشابه ایشان هستند که نا سلامتی در پی رها کردن زنان و مردان جامعه از بردگی و استثمار سرمایه داری و فرهنگ ارتجاعی اش زمانی ادعا داشته اند و یا مدعی هستند؟! این تصور ضد زن درمیان مبارزین و انقلابیون و در میان تشکلی که بنیادش بر ضد ظلم و نابرابری استوار شده است نباید امکان رشد بیاید و هر لحظه باید خشکانده شود. هیات مدیره سندیکای واحد و اعضا آن و اعضای سندیکا لازم است از این خزعبلات ضد زن فاصله شان را نشان بدهند.

حیات غیبی این گونه اقدامات تکمیلی خود را به سازمان ملل گزارش میدهد تا آنها را به اصطلاح در مقابل نه تنها شکایت یک فرد بلکه ادعای دادگاه و ادارات این کشور قرار دهد: " اینجانب از طریق قانونی اقدامات لازم را انجام داده ام ،در دادگاه خانواده تهران و همچنین دادسرای انقلاب و دادگاه ارشاد شکایاتی را تنظیم نموده ام که امیدوارم با رسیدگی عادلانه اقدامات لازم جهت پیگیری قانونی موضوع انجام شود"

از نظر حیات غیبی چنین "شیاطینی" که قصد فراری دادن فرزندان مشترک ایشان و مریم ضیا را هم دارند باید افشا و مورد تعقیب قرار بگیرند و به جرم باز هم "آدم ربایی" مورد تعقیب قرار بگیرند. حیات غیبی به این ترتیب هر گونه تلاش یک مادر و فرزندانش را برای ملحق شدن به هم مسدود میکند تا حلقه انتقام از "همسرش" تکمیل شود و مونا و فاطمه هم ممنوع الخروج باشند و هر اقدامی برای ملحق کردن این فرزندان و مادرشان با "اقدامات" آقای حیات غیبی روبرو شود. اما مساله این است که مریم ضیا و حیات غیبی بیش از دو سال است که عملا زندگی جدایی داشته اند و دقیقا با اتکا به جامعه مورد نظر آقای حیات غیبی برای دفاع کثیف و ارتجاعی از مرد در برابر زن و تبدیل زن به برده در جامعه و ابزاری برای هر نوع تو سری زدن و تحقیر و تجاوزی، ایشان ورقه ننگین اسارت مریم (طلاقنامه) را امضا نکرده اند و اکنون با اتکا به همین قوانین و فرهنگ میتوانند این چنین در وصف دو انسان و دو همسنگر سابقش حرف بزنند.

در اینجا لازم است ما هم بعنوان انسانهای برابری طلب که سالهای زیادی است در دفاع از "شیاطینی" همچون مریم ضیا و آقای اسانلو که اتفاقا سابقه مبارزاتی و زندگی و محرومیت هایشان برای ما عیان است، بیشتر آستین های مان را بالا بزنیم. بعنوان کسانی که نه تنها کل دم و دستگاه حکومت جنایتکار اسلامی و قوانین جاری ضد زن آن را به مبارزه ای همه جانبه در زندگی خود تبدیل کردیم، بلکه بعنوان کسانی با تجربه بیش از ده سال نجات هر روزه جان زنان و فرزندانشان از ازدواج های اجباری و اجحافات مردان و خانواده هایشان و سنت های



ارتجاعی و کنیف بر زن، عمیقا خود را در کنار مریم ضیا و اسانلو قرار بدیم و چنین افکاری را بیشتر افشا کرده و در مقابلش ایستادگی کنیم.

هیات مدیره سندیکا در برابر گفته‌هایی که به او منتسب میشود نمیتواند سکوت کند چرا که اظهار نظر اعضا و سازمان سندیکا در این مورد اخیر بسیار مهم است. آینده سندیکا و کیفیت فعالیتش در گرو این‌ها است. آقای حیات غیبی در همین نامه خود به سازمان ملل ادعا میکند: "در آخر اعلام می‌کنم بنا به تصمیم هیئت مدیره سندیکا منصور اسانلو هیچگونه سمت و مسئولیتی در این تشکل مستقل ندارد و ایشان به دلیل تخلفات اشاره شده از سندیکا اخراج شده است"

هیات مدیره سندیکا در برابر گفته‌هایی که به او منتسب میشود نمیتواند سکوت کند چرا که اظهار نظر اعضا و سازمان سندیکا در این مورد اخیر بسیار مهم است. آینده سندیکا و کیفیت فعالیتش در گرو این‌ها است. آقای حیات غیبی در همین نامه خود به سازمان ملل ادعا میکند: "در آخر اعلام می‌کنم بنا به تصمیم هیئت مدیره سندیکا منصور اسانلو هیچگونه سمت و مسئولیتی در این تشکل مستقل ندارد و ایشان به دلیل تخلفات اشاره شده از سندیکا اخراج شده است"

**هیات مدیره سندیکا در رابطه با این ادعای حیات غیبی چه میگوید؟** اینجا حیات غیبی بر نکته بسیار مهمی تاکید دارد و میگوید که برکناری اسانلو به "دلیل تخلفات اشاره شده" بوده است. تخلفات اشاره شده منظور همین تخلفات اشاره شده در نامه حیات غیبی به سازمان ملل است. **هیات مدیره سندیکا چه جوابی به این مساله دارد؟**

بیش از یک ماه است مباحثات بسیار زیادی حول مساله تصمیم هیات مدیره سندیکا واحد در جریان است. بسیاری آگاهانه تلاش کردند از تصمیم اعلام برکناری اسانلو به دلیل "تخلفات" حرکتی رو به جلو در جنبش کارگری کشف کنند و امروز با نامه حیات غیبی بیشتر معلوم میشود که چه پیشروی بزرگی نصیب طرفداران این نظریه شده است! شاید نامه حیات غیبی و دیگر اقداماتش در سایه این پیشروها دارد صورت میگیرد! قبلا هم معلوم بود که نامه "تعدادی از فعالین سندیکا" چگونه ماتریال این "پیشروی" را فراهم کرده بود. نامه "تعدادی از فعالین سندیکا" که اکنون دیگر ربط آن به آقای حیات غیبی و نظراتشان در مورد اسانلو و مریم ضیا اکنون دیگر کاملا واضح است، نشان داد که چه اندازه توانست بر تصمیم هیات مدیره در اعلام چنین نظری تاثیر بگذارد. محافل و فرقه‌های مختلف هم در پی کشف مبارزه طبقاتی تمام عیار در اوج دوری از هم و بر حسب "اتفاق" دارای یک جهت و سیاست‌های مشترکی در این قضیه شدند و این هم تجربه جالبی در فعالیت اینها بود. اینک تعقیب مریم ضیا و اسانلو با اتکا به دادگاه و احکام جزایی حکومت اسلامی و "رشادت و پیگیری" آقای منصور حیات غیبی، ممنوع الخروج کردن بچه‌های مریم ضیا و بالاخره ربط مستقیم تصمیم هیات مدیره به "تخلفات" مورد نظر آقای غیبی قرار است دنباله این موضوع باشد. هیات مدیره سندیکا واحد چگونه هر گونه رابطه مورد ادعای آقای غیبی را میتواند توضیح بدهد و مهمتر اینکه توقع این است این افکار و نظرات عضو سابقش را مورد نقد قرار بدهد و حداقل آنها را از خود و سندیکا دور کند و دور بریزد و اجازه ندهد این چنین چرندیات ضد کارگری و ضد زن تحت عنوان "عضو سابق سندیکا واحد" به این سندیکا و اعتبارش مرتبط شود. سرنوشت آقای حیات غیبی با چنین اعمال و نظراتی بسیار "معلوم" است آنچه که نا معلوم است نظر سندیکا در مورد این ادعا‌های منصور حیات غیبی است. / 7 اسفند 1391

[diana.nammi@gmail.com](mailto:diana.nammi@gmail.com)

[nmehmari@gmail.com](mailto:nmehmari@gmail.com)

## ضمیمه:

### نامه منصور حیات غیبی به سازمان ملل

نامه سرگشاده به سازمان پناهندگان ترکیه (UN)

من منصور حیات غیبی عضو سابق هیئت مدیره سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه هستم که این درد نامه را برای شما ارسال می‌کنم:

شخصی به نام منصور اسانلو با اغفال و فریب همسر مریم ضیا او را از مرزهای غیر قانونی جمهوری اسلامی عبور داده و با ورود به ترکیه و حضور در نمایندگی سازمان ملل مریم ضیا را همسر خود معرفی کرده است تا بتواند با کمک شما مراحل پناهندگی خود را سپری کند.

اینجانب از طریق قانونی اقدامات لازم را انجام داده‌ام، در دادگاه خانواده تهران و همچنین دادرسی انقلاب و دادگاه ارشاد شکایاتی را تنظیم نموده‌ام که امیدوارم با رسیدگی عادلانه اقدامات لازم جهت پیگیری قانونی موضوع انجام شود.

لذا از شما عزیزان تقاضا دارم به خاطر خیانتی که این دو نفر انجام داده‌اند، در صورت امکان هیچ کمکی برایشان در نظر نگیرید همچنین قابل ذکر است این شیاطین قصد فراری دادن دو فرزندم به نام‌های مونا و فاطمه حیات غیبی را هم دارند.

در آخر اعلام می‌کنم بنا به تصمیم هیئت مدیره سندیکا منصور اسانلو هیچگونه سمت و مسئولیتی در این تشکل مستقل ندارد و ایشان به دلیل تخلفات اشاره شده از سندیکا اخراج شده است / با احترام

منصور حیات غیبی

1/11/1391

حضرت عیسی در زمان امپراطوری روم که سایه ظلم و ستمگری بر طبقات زیرین انداخته بود، ظهور کرد و با مبارزه‌ای مجهز به نیروی فقرا و ستمدیدگان و طبقات پایین جامعه و اندیشه و تفکر پدر- پسر- روح‌القدس دست به مبارزه وسیع علیه امپراطوری روم زد. حضرت عیسی با تکیه بر فلسفه یونان و دین یهود و مستیک (پنهان داری) عیسویت را بنا می‌نهد. رفتار عیسی با زنان در زمان خود بسیار انقلابی و رادیکال بود.

عیسی عمداً، با دعوت زنان به پیروی از خود، فرهنگ آن زمان را نفی کرد. حضور زنان در دایرهٔ پیروان عیسی امری بی‌سابقه در فرهنگ و تاریخ آن زمان بود.

مرد سالاری هم در اسرائیل امری عادی و پذیرفته شده بود تا حدی که در نیایش، فریسیان خدا را شکر می‌کردند که «مشرك و بی‌سواد و زن» آفریده نشده‌اند. در چنین شرایطی رفتار و برخورد عیسی با زنان به وضوح نشانگر تفاوتی چشمگیر در دیدگاه او با دیگر معلمین مذهبی نسبت به زنان است.

ترتولیان زنان را دروازه ورود شیطان و مقصر اصلی در مصلوب شدن عیسی می‌دانستند، قدیس اگوستین زنان را موجوداتی می‌دانست که از بدی تغذیه می‌کنند، راه فساد بر زمین خاکی هستن و جنس زن را مذکری می‌دانستند که از راه خود منحرف شده است.

وضع زنان و عملکرد حضرت عیسی در برابر حقیقت و رئالیته جامعه فاسدشده و برخوردش با زنان را در ارتباطش با ماریا ماکدلنا می‌توان دید. ماریا ماکدلنا زنی فاحشه بوده است که مورد تمسخر و آزار مردها قرار می‌گیرد. روزی که مردان می‌خواهند با سنگ او را از پای درآورند حضرت عیسی جلوییشان را گرفته و چنین می‌گوید: "اگر در میانتان کسی باشد که مرتکب گناه و یا عمل زنا نشده باشد، می‌تواند سنگ بیاندازد." بدینگونه ماریا از سنگسارشدن خلاص می‌شود. این روایت نشان‌دهنده جامعه انسانی و در برابر آن برخورد نظام مردسالار با زنان است. بعدها دیالوگ میان ماریا و حضرت عیسی ادامه می‌یابد تا جایی که گفته می‌شود ماریا بعدها یکی از یاران صادق حضرت عیسی می‌شود. در هنگام به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی باز زنان دورش جمع شده و نسبت به او دلسوزی خود را نشان می‌دهند.

300 سال بعد از به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی، حواریون با تنظیمات خویش در میان جامعه، عیسویت را پخش کرده و مورد قبول جوامع قرار می‌دهند. همچنین از طرف امپراطوری روم به عنوان دین رسمی مورد قبول واقع می‌شود اما از آن پس از جوهر اصلی خود خارج و تحت حاکمیت امپراطوری‌ها در خدمت نظام دولتی به کار برده می‌شود،

اما دیری نباید که با برپا شدن کلیساها توسط پیروان عیسی نقش زنان در جامعه محدود شد چنانکه زنانی که حتی خواهان یادگیری شریعت بودند با گذینش و سختگیری کلیسا روبه رو بودن و زنانی که از این فیلتر عبور می‌کردند و راحیه می‌شدند اجازه رسیدن به مقامات بالا را نمی‌دادند مقامات بالایی باید از میان مردان انتخاب می‌شد که تا به امروز نیز چنین است و در عرصه‌های دیگر نیز بهمان منوال بود.

مریم مادر حضرت عیسی نیز به عنوان زنی پاکدامن و ناموس دار مطرح می‌شود. در اصل مریم آخرین نمونه نظام الهه زن- مادر بوده که به خاطر به دنیا آوردن حضرت عیسی به عنوان مادری، مورد تقدیس قرار می‌گیرد.

این شرایط چند صد سال به طول می‌انجامد زنان زیادی را به بردگی جنسی گرفته و خیلی‌ها را مصلوب و یا در آتش می‌سوزاندن به این دلیل که از فرامین خدا و کتاب مقدس سر پیچی کرده اند. دین عیسی نیز زنان را نتوانست از یوغ جامعه مرد سالار برهاند و خود نیز به مانند شمشیری بر پیکر زنان فرود آمد.

دینی که با کمک زنان شکل گرفته و به ثمر رسیده بود حال خود تبدیل به یکی از عوامل خشونت علیه زنان و انکار هویت مادر گونه و پاکیش و توان او در عرصه های مبارزات اجتماعی و سیاسی جامعه از او گرفته و اجازه فعالیت‌های دموکراتیک را از زنان صلب کردند و سبک جدیدی از برده داری مدرن را بنیان نهادن .

زنان به ساغی مردان در میکده ها و کالایی زیبا برای فروش تبدیل شدند. حکام آن زمان از زنان به عنوان کالای سیاسی برای راضی کردن رقبای خود و پیمان بستن و یا پیشکشی سیاسی استفاده می کردند.

کمی دورتر در شبه جزیره عربستان محمد ظور می کند ، مردی تاثیر پذیرفته از سه تمدن بزرگ دوران خود، روم شرقی در شمال، ساسانیان قدرتمند در شرق و حبشه در شرق آفریقا. /



**" زن و ادیان "**  
بخش دوم  
شهلا وکیلی تجره



**"خشونت پنهان"**  
**فاطمه پرنده**

می تواند زن را له کند بدون اینکه حتی لمس اش کند. بدون اینکه حتی بخواهد لهش کند. این ارث مردان است که از پدران پدرانشان بهشان رسیده . خشونت دست سنگین پدری است که بر صورت دخترک 9 ساله اش بلند می شود اما هرگز فرود نمی آید. خشونت گردنکشی برادری است که نگاه پسرک معصوم همسایه را کور می کند و خواهر را ناامید می کند از عشق پاک و دیوار به دیوار همسایگی.

خشونت آروغ زدن های شوهر است به جای دستت درد نکند برای دستبخت عالی یک صبح تا ظهر حبس شدن در آشپزخانه. خشونت، آزار، تحقیر، پله های بعدی نردبانی هستند که پله ی اولش با فلانی و بیساری معاشرت نکن چون... فلان لباس را نبوش چون... است. چون هایی که اسمشان می شود "عشق". عشق هایی که می شوند ابزار کنترل. که منتهی می شوند به زنانی بی اعتماد به نفس، بی قدرت، غمگین، تحقیر شده، ترسان، وابسته، تهدید به ترک شده و شاید کتک خورده که فکر می کنند همه ی زخم هایشان از عشق است. که مرد عاشق زخم می زند و زخم بالاخره خوب می شود.

می دانید؟ کتک بدترین نوع خشونت علیه زنان نیست. کبودی و زخم و شکستگی خوب می شوند. قدرت و شادابی و باور به خویشی که از زن در طول ماهها و سالها گرفته می شود گاهی هیچ وقت، هیچ وقت، ترمیم نمی شود.

خشونت قانون نابرابر حق قیومیت پدربزرگی است که در فقدان پدر ، صاحب بلامنازع نوه ی دختری اش می شود بی اینکه حضور مادر در جایی دیده شده باشد. خشونت حق ارثی است که پس از مرگ پدر به تو داده می شود نیم آن چیزی که برادرت می گیرد و تازه منت بر سرت می گذارند که نان آور خانه ات دیگری است .

خشونت علیه زنان پلیدترین و زشتترین نماد تبعیض جنسیتی و نا برابری است که متأسفانه در جامعه ی کنونی ایران رفتارهای ناپسند علیه جنس زن به دلیل رعایت عرف جامعه افشا نمیشود و این خود ریشه در قصور فرهنگی دارد.

روز 25 نوامبر هم از سوی سازمان ملل متحد بعنوان روز مبارزه با خشونت علیه زنان نیز نکته مهم دیگری بود که با وجود جنبه نمادین آن اهمیت بسزایی دارد .اما متأسفانه تاکنون هیچ اقدام سازنده و کارایی از سوی سازمان زنان صورت نگرفته است./

در پسر بچه "من" ی رشد می کند که وجه مشخصه آن فرادستی ، رقابت و پرخاش گری به ویژه در قبال زنان و تاثیر پذیری از پرخاشگری اشخاص مرجع قوی تری است. تعاملها و ارتباطات زنانه ، بیشتر شبکه ای و وابسته به روابط است در حالی که مردان ، اندیشه ی سلسله مراتبی را ترجیح می دهند که بصورت قدرت و فرادستی جلوه می کند. همین قدرت و فرادستی است که در زندگی روزمره این چنین همراه با خشونت است. پدر و برادر بزرگ تر حریم شخصی زن را با هزار گونه خشونت آشکار و پنهان در هم می شکنند و آن وقت ناله سر می دهند که زنان مکارند، که زنان از راه های غیر مستقیم استفاده می کنند! گویی هر چه بر مدار زور مردانه نگردد ، زن ذلیلی است. چرا از مردانی که ادعای زن ذلیلی دارن نمی پرسن که

اگر همسرشان بخواهد با خواهرش به مسافرت برود نیاز به اجازه او دارد یا نه ؟ که آیا حق طلاق با زن است یا نه ؟ آیا بعد از طلاق سرپرستی فرزند با زن است یا نه ؟ موارد زیادی هستند که باید فاکتور قوانین اسلامی ، جامعه مرد سالار ، سنت ها ، مذهب را اضافه کرد.

خشونت، تحقیر، آزار و گاهی یک نگاه است. نگاه مردی به یقه ی پایین آمده ی لباس زنی وقتی که دولا شده و چایی تعارف می کند. نگاه برادری است به خواهرش وقتی در مهمانی بلند خندیده. نگاهی که ما نمی بینیم. که نمی دانیم ادامه اش وقتی چشم های ما در مجلس نیستند چیست. ترسی است که آرام آرام در طول زمان بر جان زن نشست.

خشونت بی کلام، بی تماس بدنی، مردی است که در را که باز می کند زن ناگهان مضطرب می شود، غمگین می شود. نمی داند چرا، در حضور مرد انگار کلافه باشد. انگار خودش نباشد. انگار بترسد که خوب نیست.

که کم است. که باید لاغرتر باشد چاق تر باشد زیباتر باشد خوشحال تر باشد سنگین تر باشد سکسی تر باشد خانه دارتر باشد عاقل تر باشد. خشونت آن چیزی است که زن نیست و فکر میکند که باید باشد، خشونت آن نقابی ست که زن میزند به صورتش تا خودش نباشد تا برای مرد کافی باشد . مرد

"خشونت همیشه یک چشم کبود و دندان شکسته و دماغ خونی نیست" در تعریف مفهوم خشونت علیه زنان میتوان گفت : براساس آنچه در اعلامیه 20 دسامبر 1993 سازمان ملل متحد آمده ، هرگونه عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت که عامل بروز یا احتمال بروز صدمات و آسیب های جسمی یا روانی شود مصداق خشونت شناخته میشود. خشونت های پنهان خیلی زود ، حتی قبل از تولد آغاز می شوند. می گویند اگر زن حامله خوشگل باشد و ورم نکرده باشد ، نوزاد پسر است و اگر زن حامله بر عکس زشت و چاق و باد کرده باشد لابد بچه مثل ما زن است. بعد هم که به دنیا می آیم ، وضع که بهتر نمی شود که هیچ ، خشونت شکل عملی به خود می گیرد. همین اشاره بس است هر کاری که در جهت استقلال ، بیرون رفتن و قدرت و خود آگاهی باشد در دختر بچه شماتت و سرکوب می شود.

از پسر انتظار می رود میان خود و مادر مرزی قائل شود که او این کار را به مدد هم ذات پنداری با چهره های قدرت و اقدار مردانه به طور همزمان به مدد ارزش گذاری منفی مادر بطور اخص و زنانگی بطور اعم انجام می دهد پسر می آموزد جنبه های زنانه ی خود را انکار کند و انرا پس براند

مروری بر تاریخچه جوامعی که امروزه زنانش حقی به مراتب بیشتر از جوامع سنتی، مذهبی و یا جهان‌سومی دارند نشان از راهی پرفرازونشیب برای زنان برابری خواه به همراه دارد اما نباید فراموش کرد که این مبارزات بی نتیجه

**"8 مارس از قرن 19 تا 21"**

**آزاده شیرازی**

نخواهند ماند.

برای آن که به یاد آوریم برای آن‌که بتوانیم یک روز را با اتحاد برای برابری خواهی در جهان فریاد برآوریم، چه هزینه‌هایی توسط زنان تاریخ ساز عرصه مبارزات زنان پرداخت شده باید به قرن 19 بازگردیم.

از سال 1857 که برای اولین بار زنان کارگر در "نیویورک" برای اعتراض به شرایط کاری سخت و حقوق و مزایای نابرابر به خیابانها ریختند، تا سال 1907 که به مناسبت پنجاهمین سالگرد تظاهرات نیویورک در "هشتم مارس" زنان در مبارزاتشان برای تأمین حقوق سیاسی و اجتماعی دوباره دست به تظاهرات زدند، بدون شک سالهای سختی را سپری کردند. در جامعه ای مانند اطریش که در سال 1911، شمار زنان تظاهر کننده قریب به 30.000 نفر رسید، تلاشهای بی وقفه زنان مبارز نشان از قدرت زنانی دارد که دست از حقوقشان نکشیدند و همواره صدای اعتراض و برابری خواهیشان به گوش میرسد.

با فراز و نشیبهای بی شمار بر سر راه زنان برابریخواه، سرانجام در سال ۱۹۱۳ "دبیرخانه بین‌المللی زنان"، هشتم مارس را با خاطره مبارزه زنان کارگر در آمریکا، به‌عنوان «روز جهانی زن» انتخاب کرد.

گرچه در طی جنگهای جهانی اول و دوم این مبارزات دستخوش تحولات و اتفاقات بیشماری شد، اما با تلاشهای بی وقفه زنان، سازمان ملل در سال 1977 طی قطعنامه ای "8 مارس" را به عنوان «روز حقوق زنان و صلح بین‌المللی» وارد تقویم رسمی خود کرد.

علی‌رغم اینکه مسأله تساوی حقوق زن و مرد و رفع هرگونه تبعیض بین آنان در برخورداری از مواهب زندگی و حقوق اجتماعی و سیاسی در همه اسناد حقوق بشری سازمان ملل مطرح شد، اما همچنان تبعیض گسترده علیه زنان ادامه داشته و دارد و در آن زمان این امر موجب شد تا طرفداران تساوی کامل حقوق

زن و مرد این اسناد را کامل ندانند و دست از تلاشهای برابریخواهی بردارند، و در نهایت موفق شدند در سال 1979 کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را به تصویب سازمان ملل متحد برسانند که به مراتب حقوقی بیشتر برای زنان در برداشت و البته در سال 1981، برای دولتی که به آن ملحق شدند لازم الاجرا شد.

با این توضیح از مبارزات بی وقفه زنان در عرصه حقوق برابر، باید دید زنان در جوامع سنتی، مذهبی و مردسالار چه سرنوشتی دارند؟

گرچه ما در دورانی زندگی میکنیم که 32 سال از تصویب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان میگذرد؛ اما در ایران ما همه جا نشان از زندان برای زنان است، در خانه‌ها، کوچه‌ها، مدارس، دانشگاهها و ادارات. هر کدام به نحوی نمایی از زندانهای بی‌حصاری هستند که زنان را به اسارت کشیده‌اند و این در بطن افکار عمومی و فرهنگ اجتماعی ما نهفته است. پس بدیهی است راهی بس دشوار پیش روی جامعه زنان برابری خواه ایرانی قرار دارد.

در چنین دورانی بسیاری از زنان هستند که از ترس مواجهه با پدیده طلاق دست به قتل و حتی خودکشی میزنند و یا از ترس از دست دادن سرپرستی کودکانشان مرتکب اشتباهات غیر قابل‌جبرانی میشوند که زندگی‌شان را به تباهی میکشاند.

چه بسیار قتل‌های ناموسی که در گوشه و کنار مرزهای ایران حتی خارج از آن در جوامع مذهبی و سنتی اتفاق می‌افتد بی‌آنکه نامی از آنها برده شود و همچون غباری در هوا به فراموشی سپرده میشوند، و چه بسیار زنانی که تاوان اعتراض به حداقل حقوق انسانی‌شان را به بهای جان‌شان می‌پردازند که در برابر تهمتهای بی‌اساس، مورد استناد جوامع مردسالار قرار می‌گیرند.

اما در ایران، جدال برای رسیدن به حقوق انسانی توسط زنان از کودکی‌شان آغاز میشود؛ آنگاه که دخترچه‌ای بیش نیستند، در خانه و سپس در مدرسه. از اعمال پوشش و حجاب اجباری، از اینکه تا بخواهد در پوشش و گفتارش به دلخواه خودش عمل کند بلافاصله شخصیتش را بواسطه جنسیتش نشانه می‌گیرند.

رو به سن رشد و بلوغ که میگذارد به جای آنکه برای حضور در جامعه ای بزرگتر تشویق شود باید با احساس شرم از برجستگیهای بدنش بهراسد و همواره سعی در پنهان کردن آنها داشته باشد، تغییرات فیزیکی

بدنش به جای آنکه با جشن و شادی همراه باشد با احساس گناه و غم همراه است، در آموزه‌های اسلامی به او میگویند پاک نیستی، سبب به گناه انداختن مردان هستی و نجاست در وجودت هست و حتی از لحاظ عقلی به خاطر همین طبیعتش او را فاقد قوه تشخیص و تمیز لازم میدانند.

آنچه دخترکان دپروزرا به مادران فردا مبدل میسازد در همه جا دلیلی میشود برای سرزنش و زایل کردن حقوقشان.

او را به چشم وسیله‌ای می‌بینند که نه تنها تاریخ انقضایش را وابسته به شرایط هورمونی و طبیعی وجودش تخمین میزنند که حتی او را در ماه برای مدتی بی‌مصرف می‌انگارند.

زنانی که اگر به حق رأیشان برای انتخابات کشور نیاز باشد عزیز و محترم خوانده میشوند؛ اما برای پوشش خودشان شایستگی و صلاحیت انتخاب ندارند.

بزرگتر که میشوند برای ورود به دانشگاه با مسأله تفکیک جنسیتی مواجه میشوند که در برخی رشته‌ها صرفاً به خاطر جنسیتشان باید از علاقه و آرزوهایشان دست بشویند.

در انتخاب رشته‌های ورزشی با هزاران محدودیت مواجه میشوند از جمله انتخاب رشته مورد علاقه، پوشش لازم و محل مورد نیاز. طولی نمیکشد که در میابند سهمشان از آینده و زندگی پیش رومطابق شایستگی و لیاقتشان نیست بلکه این جنسیت آنهاست که تعیین کننده است.

بیشتر که به پیش میروند باید فقط مورد انتخاب قرار بگیرند و حق انتخاب برایشان عینیتی ندارد.

زن بودن در چنین جامعه ای معنایش این است که مالک هیچ چیز نیستی، نه افکار، نه جسمت و نه آینده ات.

همه جا برای تصمیم‌هایت به مهر تأیید مردانی نیاز داری که اذعان میدارند فاقد صلاحیت لازم برای تصمیم‌گیری مستقل هستی، حتی در انتخاب شریک زندگی و یا مادر شدند.

وقتی برای ذره ای ابراز مالکیت یک زن متأهل بر بدنش، او را متهم به عدم تمکین میکنند و به این ترتیب به تجاوز مشروعشان عینیت میبخشند، وقتی زنان همواره جزئی از مایملک مردان محسوب میشوند و همیشه سایه حداقل یک مرد بر انتخاب یک زن سنگینی میکند.



**چگونه میتوان از کرامت انسانی سخن گفت؟**

راهی نیست جز استقامت، جسارت و پایداری، برای رسیدن به حقوق از دست رفته تمام زنانی که قربانی جوامع مردسالار شده‌اند. برای فراموش نشدن زنانی که سالها با گمنامی در زندان منتظر اعدام‌اند به خاطر گناه ناکرده، که سالهای جوانیشان پشت میله‌های زندانی سپری میشود که باید در پشت میزهای دانشگاه سپری میشد و یا مادرائی که برای حفظ حق سرپرستی فرزندانشان به ناحق دالانهای زندانها را هر روز با ناامیدی طی میکنند.

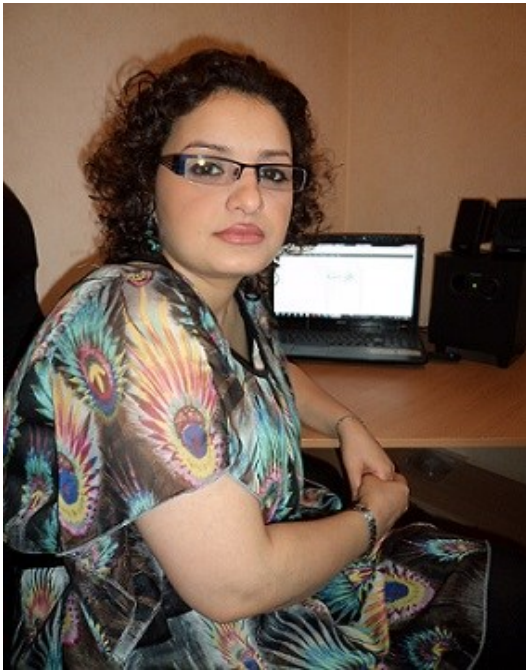
زنانی که برای محفوظ ماندن از اتهامات باید سایه سنگین مردان معتاد و یا فاسد را به جان بخرند، و جز اینکه زن باشند، مادر باشند، و نان آور خانواده.

مردان این مرز و بوم، دلتنگ زبان مادری می شوند اما زبان مادران دلتنگ را در نمی یابند!

آنانی که هرروزه غم سخن گفتن به زبان مادریشان را دارند، خودشان چه حقی به مادران خود و یا مادران فرزندانشان می دهند؟ سالی که گذشت، بسیاری از زنان برابری خواهان برای دفاع از حقوق پایمال شده انسانها محکوم به حبس شدند و یا ادامه محکومیتشان را سپری کردند و جرمشان تنها عدالت خواهی بود و سرخم نکردن به بی عدالتی، اما در این میان اسطوره ای نازنین بسیار فرسوده شد، عزیزانش را بدون خداحافظی از دست داد و برای حمایت از دخترک نوجوانش که برای تهدید مضاعف عدالت خواهیهای مادر مورد هدف قرار گرفته بود، بیش از 45 روز در اعتصاب غذا به سر برد؛ اما به مردان زن ستیز نشان داد که انسان بودن، و حق انتخاب داشتن فقط در مردان خلاصه نمیشود. به نشان قدردانی و حمایت از تمام تلاشهای این بانوی برابری خواه و عدالت جو، که حتی مردان بیشمار آزادی امروزشان را مدیون تلاشهای او هستند در روز جهانی زن از او و استقامتش یاد میکنیم و آرزومند آزادی "نسرین ستوده" ستودنی هستیم.

به امید روزی که تمام زنان از حقوق برابر برخوردار باشند، دیگر حقی از زنی ستانده نشود و صدای زنی در گلو خاموش نگردد.

8 مارس، روز جهانی زن یکصدا برای احقاق حقوق از دست رفته تمام زنان همصدا خواهیم بود، تا برابری. /

**سحر نیازی**

تاریخ بشری سراسر پر از رنج و درد خشونت و بی عدالتی در همه عرصه های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بر علیه زنان یعنی نیمی از جامعه انسانی است. یک ششم زنان دنیا به دست شوهر یا شریک زندگی خود قربانی خشونت می شوند. در هر ثانیه یک زن مورد حمله یا بد رفتاری قرار می گیرد و حتی بار دار بودن زنان نیز مانع از خشونت مردان نمی شود. نود درصد از قربانیان خشونت خانگی بر اساس آمار های جهانی زنان می باشند. ده تا پانزده درصد زنان مورد بد رفتاری فیزیکی همسرانشان قرار می گیرند. و زنان ایران لحظه به لحظه همراه با درد و خشونت دست و پنجه نرم می کنند. خشونت جنسی روانی کلامی خودکشی اجباری تن فروشی اجباری تجاوز فردی و گروهی ختنه دختران فروختن کودکان دختر اسید پاشی ازدواج اجباری و ..... همه از جمله خشونت های علیه زنان به شمار می روند. که بیشتر آنها جنبه فرهنگی مذهبی دارد.

و اما در روز هشتم مارس روز جهانی زن میشود کمی از این درد ها دور ماند و پیرامون فعالیت های مثبت زنان صحبت کنیم. همانطور که زنان در سراسر دنیا با استفاده از فرصتی استثنایی و اقدامی به جا در روز ولنتاین با رقص و شادی خواستار رفع هر گونه خشونت علیه زنان شدند.

نگاهی به وضعیت جهان زن رشد فعالیت های زنان در عرصه های مختلف زندگی را به طور واضح روشن می سازد. این رشد تا حد قابل ملاحظه ای برای زنان ایران به چشم می خورد. زنان ایران که با حجاب و محدودیت های قوانینی خاص فعالیت می کنند. و جایگاه خود را در زندگی امروزی نمایان تر می سازند. زنان ایران اما در تمامی عرصه های فعالیت خود خواستار نقش جدی در زندگی اجتماعی هستند. اما در قید و بند بی چون و چرا قوانین حاکم در ایران، خواسته های زنان نه تنها در شیوه های مدنی بلکه در شیوه های سیاسی نیز مطرح شدند. امروزه زنان ایران چه در داخل و چه در خارج نقش پر رنگی

در زمینه فمینیسم و بر داشتن هر گونه تبعیض و خشونت دارند. مسائل عمده زنان در همه جای دنیا مشترک است. اما خواسته های زنان و نوع فعالیت و برخورداری از حق و حقوق زن در جوامع مختلف متفاوت است. داشتن حقوق زن در جوامع غربی را تا حدودی نمی توان برای زن شرقی نیز دانست. اما کنشگران و فعالان در حوزه زنان تلاش فراوان داشتند. با ترجمه کتابها مقالات و برگزاری سمینارها و بحث های جمعی با کسب نظرات و انتقادات کمک بزرگی در جوامع شرقی باشند. در این موارد زنان ایران نیز با بالا بردن سطح آگاهی و اطلاعات خود باورهای خود را از فمینیسم بودن به حد امکان رسانیدند. رشد جنبش زنان در ایران رشدی صعودی است. زنان در عرصه های زندگی فردی و اجتماعی حرفی برای گفتن دارند و در زندگی اجتماعی و یا بهتر بگوییم در صحنه و موقعیت کار نیز صدای خود را به گوش همگان رسانیده اند. حقوق زن حقوق بشر است. /

## گزارش آکسیون اعتراضی در برابر سفارت ایرلند-بروکسل

21 نوامبر 2012

### در اعتراض به مرگ Savita Halappanavar که به دلیل ممنوعیت سقط جنین در ایرلند

انتشار خبر مرگ Savita Halappanavar در رسانه‌ها، خصوصا رسانه‌های آنلاین و شبکه‌ی جهانی فیس بوک، موج خشمی را در میان کمونیست‌های حساس به مساله‌ی زنان، فمینیست‌ها و دیگر نیروهای مترقی برانگیخت. مطالب و مقالات زیادی در فیس بوک و سایت‌های مترقی منتشر شد که به شرایط سقط جنین در کشورهای اروپایی و زنانی که با مرگ و زندگی دست و پنجه نرم می‌کنند پرداخته بود. همزمان مطالب بسیاری نیز توسط "پرولایف"ها منتشر شد مبنی بر ضرورت ابقاء و گسترش ممنوعیت حق سقط جنین! خوشبختانه این جدال از فضای مجازی به دنیای مبارزه‌ی مادی راه یافت. در چند شهر اروپا (استکهلم، دابلین، هنگ کنگ، هند و ...) عده‌ای از نیروهای مترقی و هوادار آزادی سقط جنین میتینگ‌هایی برگزار کرده و در بروکسل نیز آکسیون در برابر سفارت ایرلند تدارک دیده شد. ابتکار عمل این آکسیون با رفقای حزب چپ سوسیالیست و فمینیست‌های بلژیکی بود و از ما نیز برای شرکت در برنامه دعوت کردند. ما که این مبارزه را بخشی از مبارزه‌ی جهانی‌مان می‌دیدیم دست به کار تبلیغ و همکاری با این رفقا شدیم.

در هوای سرد بروکسل و در ساعات ابتدایی شب (ساعت 18) جمعیت خوبی گرد آمدند. نیروهای چپ و فمینیست‌ها با پخش بیانیه، شعارها و بالا بردن پلاکارهای خود این وضعیت را محکوم کرده و تلاش داشتند در سخنرانی‌هایشان بر سر موقعیت جنبش مبارزاتی در برابر "پرولایف"ها و نیروهای مذهبی با هم به بحث بپردازند. جوانان غمگین ایرلندی هم آمده بودند و عده‌ای شمع با خود آورده بودند و عده‌ای پلاکاردهای "دیگر هرگز!" (Never again! – Niet Meer)؛ ما نیز پلاکاردهای سرخ‌مان که حاوی شعارهایی به زبان‌های فارسی، فرانسه و انگلیسی بود، به همراه داشتیم:

**رهايي زن، رهايي جامعه است!**

**Guns don't kill people; Pro-lifers with guns kill people!**

**Keep abortion, safe, free & legal!**

زنان سوسیالیست از رابطه‌ی بین عمیق شدن بحران‌های سرمایه‌داری و فشار هر چه بیشتر بر زنان گفتند. از این که در کشورهای اروپایی که به ادعای سرمایه‌داری زنان آزاد و برابر هستند چگونه زنان حتی از اولیه‌ترین حقوق خود محرومند و هنوز هم بابت دستمزد برابر، مهدکودک مناسب و مجانی، بیکاری و ... اولین قربانیان سیستم حاکم و بحران‌هايش هستند و در این میان نداشتن حق سقط جنین باورنکردنی است و بازگشت به گذشته و از دست دادن حقوق پایه‌ای زنان. زن فمینیست از مبارزات زنان برای کسب حق سقط جنین گفتند و این که این مبارزه پایان نیافته و زنان تا به دست نیاروند قطعی حقوقشان نباید دست از مبارزه بردارند. دختران غمگین و خشمگین ایرلندی نیز در بازه احساسات و هدفشان در این تجمع صحبت کردند و با بغضی که در گلو داشتند تأکید داشتند که مبارزه را ادامه خواهند داد.

گروه کوچک ما هم تعدادی از بیانیه‌های سازمان‌های زنان 8 مارس (ایران - افغانستان) را به زبان انگلیسی پخش می‌کرد که برای حضار هم عجیب بود و هم رضایت‌بخش؛ نگاه‌ها حکایت از آن داشت که شما این‌جا چه می‌کنید؟! مگر این مبارزه مسأله شما هم هست؟! ... با نگاه‌های متعجب و مشوق شعارهایمان را می‌خواندند. متأسفانه در بحث‌های نمایندگان فکری گروه‌های حاضر، عمده‌ی تأکیدات تصویب و حمایت از قانون سقط جنین در کشورهایی بود که هنوز چنین قانونی را ندارند! و خوشبختانه در فرصت کوتاهی که به ما نیز داده شد، رفیق مان "فریبا" (از فعالین سازمان زنان 8 مارس و شورای دانشجویان و جوانان چپ) به نکات دیگری نیز اشاره کرد که توسط یک زن فمینیست دیگر نیز تأکید شد. او و دوست فمینیست‌مان از نقش مشخص سرمایه‌داری و حضور پررنگ مذهب در کشورهای دنیا پرده برداشتند و با گذر از تعاریف و شعارهای کلی در مورد قانونی شدن سقط جنین، به مکانیزم‌هایی که توسط سرمایه‌داری به کار گرفته می‌شود تا حقوق و سرنوشت زنان را از مبارزه‌ی آنها برای رهایی جدا کند اشاره داشتند. در تأکیدات فریبا نکته‌ی دیگری بود که با تشویق حضار روبرو شد. فریبا از جهانی بودن ستم بر زنان و رابطه‌ی استثمار سرمایه‌داری جهانی با بهره‌کنشی از بدنی زن و محدودیت‌های مبارزه‌ی زنان گفت و این که زنجیر مردسالاری از ایران، تا چین و آمریکا تا آفریقا و اروپا این ستم را محافظت می‌کند و مناسبات عقب مانده‌ای توسط نظام ستم و استثمار سرمایه‌داری حفاظت و به کار گرفته می‌شود. حلقه‌های زنجیر مردسالاری با مناسبات سنتی و مذهبی واپس‌گرا که روی دیگر سکه‌ی ارتجاع سرمایه‌داری است بهم بافته شده‌اند؛ و امروز ما این‌جا هستیم تا بگویم مبارزات ما زنان از کشورهای توتوکراتیک که نابرابری در آن قانونی است تا قلب جهان سرمایه‌داری به هم پیوند خورده و این مبارزات از هم جدا نیستند. دختران جوان ایرلندی با لیخنند به ما اطمینان می‌دادند که منظورمان کاملا روشن است و از این اعلام همبستگی بسیار خوشحالند! آکسیون گرم ما در شب سرد بروکسل با پیام‌های همبستگی و استمرار این مبارزات پایان یافت!

سازمان زنان ۸ مارس (ایران - افغانستان) - بروکسل

۲۱ نوامبر ۲۰۱۲

<http://www.socialisme.be/lsp/archief/2012/11/22/>

تصویرهای بیشتر در لینک مشاهده کنید:



گزارش تصویری از آکسیون اعتراضی در برابر سفارت ایرلند-بروکسل



**تاریخچه 8 مارس****سنبل آزادیخواهی و برابری طلبی زنان**

در هشتمین روز ماه مارس سال 1857 زنان کارگر کارخانه‌های نخریسی شهر شیکاگو در اعتراض به شرایط نامناسب و غیرانسانی کار به خیابان‌ها ریختند. خواسته‌های آن‌ها روزی 10 ساعت کار، دستمزدهای عادلانه‌تر و حق رأی برای زنان بود، پلیس با حمله‌ی وحشیانه به صفوف معترضین بسیاری را زخمی کرد و گویا این تظاهرات چندین کشته نیز برجای گذاشت.

نیم قرن بعد در سال 1908 حزب سوسیالیست آمریکا طی بیانیه‌ای اعلام کرد که در دو سال یک روز به اعتراضات زنان برای کسب حق رأی اختصاص یابد و در 8 مارس همان سال زنان (عمدتاً) کارگر آمریکایی به یاد 8 مارس 1857 به راهپیمایی در خیابان‌ها پرداختند که این بار نیز زنان معترض با پلیس مسلح مواجه شدند، زنان کارگر آمریکا سال 1909 تا 1913 هر سال آخرین یکشنبه‌ی فوریه را به اعتراض برای به دست آوردن حق رأی و شرایط کاری مناسب‌تر دست زدند. در سال 1910 لئویس زینتز نماینده حزب سوسیالیست آمریکا (شاخه‌ی ...) در کنفرانسی که در کپنهاگ برگزار می‌شد و در آن 100 زن مبارز از 17 کشور حضور داشتند پیشنهاد اینکه یک روز در سال به عنوان روز جهانی زن (با محوریت موضوع حق رأی) نامیده شود و زنان سراسر جهان در آن روز به راهپیمایی و تظاهرات دست بزنند، را مطرح ساخت که کلارا زتکسین عضو حزب سوسیال دموکرات آلمان این جریان را پیگیری نمود.

که این پیشنهاد در سال 1911 در انترناسیونال دوم پذیرفته شد. که البته روز خاصی برای این امر در نظر نگرفته شد، در سال 1911 اولین روز بین‌المللی آزادی زنان در آلمان، اتریش، دانمارک و سوئیس در روز 19 مارس برگزار شد. چرا که در 19 مارس 1848 پادشاه پروس در پی بحران آن سال و تحت فشار مجبور شده بود قول دادن حق رأی را به زنان بدهد که البته با سپری شدن بحران طبیعتاً عملی نشد!

خواسته‌های معترضان در تظاهرات 19 مارس سال 1911 کمابیش در تمام کشورهای مراسم برگزار کردند حول محور کسب حق رأی تحصیلات و آموزش برابر، از میان برداشته شدن تبعیض شغلی وجود دستمزدهای برابر و ... بود، جلسات و تظاهرات در همه‌ی نقاط آن و اتریش حتی در بسیاری از روستاها نیز برگزار شدند، در اتریش تظاهرات عظیمی با شرکت 30000 نفر برگزار شد، که به درگیری با پلیس نیز کشیده شد و تنها با دخالت نمایندگان سوسیالیست پارلمان بود که از خونریزی جلوگیری شد. اولین روز آزادی زنان در روسیه در سال 1913 و روز 8 مارس به تقویم اروپایی که معادل 23 فوریه به تقویم روسیه (تقویم ژولیوسی) برگزار شد، که حزب برشریک به تبلیغات گسترده‌ای برای برگزاری این مراسم دست زده بود، در سال 1914 زنان برشریک مجله‌ای تحت عنوان «زن کارگر» را منتشر نمودند. که تمامی اعضای هیأت تحریریه‌ی آن قبل از روز جهانی آزادی زنان همگی به غیر از یک نفر دستگیر شدند در سال‌های بعدی اولین جنگ جهانی یعنی سال‌های 1915 و 1916 علی‌رغم تلاش‌های زنان کارگر بسیاری از کشورها از جمله روسیه مراسمی برگزار نشد در سال 1915 روز جهانی آزادی زن تنها در نروژ برگزار شد.

اما روز جهانی آزادی زنان سرانجام هنگامی رسماً به تاریخ پیوست که در سال 1917 (سال انقلاب فوریه روسیه) هنگامی که 2 میلیون سرباز روس در خلال جنگ جان باخته بودند و گرسنگی و کمبود سوخت همگان را به ستوه آورده بود، زنان عمدتاً کارگر که همگی از طبقات محروم جامعه بودند، در تاریخ 22 فوریه (به تقویم ژولیوسی که معادل 8 مارس تقویم گریگوری می‌باشد) به دعوت کمیته‌ی پیشرو گراد حزب بلشویک به خیابان‌ها ریختند و در واقع اولین روز انقلاب فوریه نیز مصادف با 8 مارس بود. کارگران نیز با اعتصاب از زنان مبارز حمایت نمودند و اعتصاب سیاسی به تظاهرات سیاسی گسترده‌ای علیه رژیم تزاری تبدیل شد که به سرنگونی آن انجامید و جرقه‌ی آن با تظاهرات زنان در روز جهانی آزادی زنان زده شده بود.

روز 8 مارس تا سال‌های بسیار تنها در تقویم کشورهای سوسیالیستی به رسمیت شناخته شده بود اما با ظهور موج دوم فمینیسم در کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز این روز به رسمیت شناخته شد. و در سال 1977 سازمان ملل متحد 8 مارس را رسماً روز جهانی زن نامید.

آنچه در جای جای این تاریخچه مختصر رخ می‌نماید پایگاه اولیه‌ی روز 8 مارس (و اگر در ابعاد وسیع‌تر به قضیه بنگریم جنبش آزادی زنان) است. که رهبران و سردمداران و فعالان آن همه از خاستگاهی سوسیالیستی و مارکسیستی برخاسته بودند.

**ستون خبری:****هر روز ۲۶۱ طلاق در کشور/ مزاحمت برای زنان مطلقه- 13 اسفند- به گزارش قطره**

قانون: نگاهی به آمار ثبت احوال می‌گوید که در ۱۰ ماه اول امسال ۱۰۸ هزار و ۴۵۵ مورد طلاق در کشور ثبت شده است. این آمار یعنی هر روز ۲۶۱ طلاق و در هر ساعت از شبانه روز ۱۵ زوج در حال جدایی هستند و در نهایت در هر شبانه روز ۷۲۲ نفر از هم جدا می‌شوند. این آمار تامل بر انگیز آنجا خبر ساز می‌شود که یکی از طرف‌های طلاق را زنان تشکیل می‌دهند و ورود ۱۰۸ هزار زن مطلقه جدید به کشور، می‌تواند زمینه ساز بروز آسیب‌های اجتماعی بیشتر در کشور باشد. بر اساس آمار، طول زندگی بیشتر طلاق‌ها در سال ۹۱ زیر یکسال بوده که از این میان سهم تهرانی‌ها پنج برابر سایر استان‌هاست.

**مزاحمت‌هایی برای زنان مطلقه**

۴۵ درصد زنان مطلقه از مزاحمت‌ها و مداخلات همسر قبلی خود ابراز ناراحتی کرده و از این بابت احساس سلب حقوق فردی و اجتماعی می‌کنند. آن‌ها معتقدند که در صورت تصمیم به ازدواج مجدد همسر قبلی آن‌ها با تحت فشار قرار دادن آن‌ها از طریق عدم اجازه ملاقات با فرزندانشان و یا تهدید به باز پس گیری فرزندانشان از آن‌ها، برای آن‌ها مزاحمت ایجاد کرده و اینگونه مداخلات در زندگی با همسر جدیدشان نیز ادامه پیدا می‌کند. 70 درصد زنان مجرد نیز وجود باورهای غلط و قضاوت‌های تنگ‌نظرانه افراد جامعه نسبت به طلاق و زنان بیوه را باعث احساس بیگانگی، ناامنی و ناراحتی در روابط خود با دیگران دانسته که موجب می‌شود از حضور در جمع فامیلی احساس معذب بودن کنند. نگاه سنتی که حاکم بر جامعه ماست به خانواده‌ها این اجازه را نمی‌دهد که پس از بازگشت دخترشان از زندگی متهالی دوباره به او به چشم دختری مجرد و آزاد بنگرند و محدودیت‌های بیشتری را در رفت و آمد و اشتغال به کار برای او قائل می‌شوند. فارغ از نگاه سوء و آزار دهنده برخی از مردان به اینگونه زنان، بسیاری از زنان مجرد به واسطه ناتوانی در برخورد با مشکلات متعددشان و یا فشار اطرافیان مجبور به ازدواج مجدد می‌گردند. علاوه بر این که این زنان اغلب خواستگاران بسیار بالاتر از سن خود و دارای چند فرزند دارند مشکل مهم‌تر رضایت فرزندان است که اجازه ازدواج را به مادرشان بدهند.

**افزایش کودکان بیوه- 18 بهمن 1391- انتخاب**

قانون در گزارشی نوشت: «بیوه کودک» از جمله پدیده‌های نوظهور در کشور است که با وجود همه هشدارهای کارشناسان، شیوع روز افزونی داشته و در پی ازدواج‌های زیر ۱۵ سال در کشور، عامل بروز ناهنجاری‌های فرهنگی در کشور می‌شود.

آمار ازدواج‌های کودکان در کشور بیشتر می‌شود و به تبع آن، تعداد بیوه کودک‌ها بیشتر. در عصر مدرنیته شدن و گسترش شهرنشینی و بالا رفتن سن ازدواج باز در شهرهایی که بر اصول سنتی شان پایبند هستند، ازدواج در سنین کمتر از ۱۵ سال بسیار مشهود است، بچه‌هایی که در دنیا کی یا بلوغ باید مسئولیت زندگی را بر اساس سنت‌های پدر و مادران خود را بر دوش بکشند بدون اینکه اراده و اختیاری در این زمینه داشته باشند.

آمارهای ثبت احوال نشان می‌دهد که در سه ماهه اول امسال ۱۲ هزار و ۸۸ نفر کمتر از ۲۰ سال ازدواج کرده‌اند یا به عبارتی دیگر ۹ هزار و ۸۶۲ دختر و پسری که با هم ازدواج کرده‌اند کمتر از ۱۵ سال سن دارند.

همچنین بر اساس این گزارش، در سال ۹۰، ۲۹ هزار و ۸۳۱ دختر و پسر کمتر از ۱۵ سال در کشور با یکدیگر ازدواج کرده‌اند. این آمارها نشان می‌دهد، پایین‌ترین میزان ازدواج زود هنگام متعلق به شهر تهران با ۷/۷ درصد است و مناطق روستایی استان‌های اصفهان و سیستان و بلوچستان بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین بررسی درصد کسانی که تا قبل از سن ۱۷، ۱۸ و ۱۹ سالگی ازدواج کرده‌اند نشان می‌دهد که نزدیک به ۸/۲۲ درصد دختران ۱۷ ساله در مناطق روستایی و ۱/۱۲ درصد در مناطق شهری ازدواج کرده‌اند.

آمارهای جهانی نیز گویای آن است که ۲۶ درصد زنان ۲۰ تا ۲۴ سال قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند و سالانه ۱۴ میلیون نوبالغ ۱۵ تا ۱۹ ساله زایمان می‌کنند و دختران زیر سن ۱۵ سال، پنج برابر بیش از دختران سن ۲۰ سالگی دستخوش مرگ و میر در طول دوران بارداری یا زایمان می‌شوند.

**ثبت رسمی ۲۷۰ هزار زن معتاد در ایران- ایران امروز- 17.02.2013**

تا همین سه چهار سال پیش در ایران فقط اعتیاد به مواد مخدر از جمله تریاک، هروئین، شیشه و غیره فقط برای مردها بود که برای توزیع مواد مخدر سر گذرها می‌ایستادند یا در اندازه‌های بزرگتری برای حمل مواد مخدر به کشورهای دیگر سفر می‌کردند اما حالا بخش بزرگی از این چرخه را زنانی به عهده گرفته‌اند که ۸۰ درصد آنها توسط همین مردان که یا پدرانشان هستند یا شوهرانشان، وارد چرخه بی‌سر و ته تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر شده‌اند.

برای همکاری با سازمان رهایی زن میتوانید با نمایندگان آن در کشورهای مختلف تماس بگیرید

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: **فیروزه فرهی**  
تلفن تماس: 858-531-1344  
ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)  
Location: 5240 fiore TER #213  
San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

انگلستان: **دیانا نامی**

تلفن تماس: 00447862733511  
ایمیل:

دیگر نقاط آمریکا: **مینو همتی**

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

استکهلم: **بری زارع**

تلفن تماس: 0046762308064

**رعنا کریم زاده**

تلفن تماس: 0046739286842

آدرس: ABF, Halndenterminalen 3

ساعات ملاقات، شنبه ها یک تا پنج بعد از ظهر

دیگر نقاط سوئد: **سالار کرداری**

تلفن تماس: 0046700194503

گوتنبرگ: **آفاق وکیلی**

تلفن تماس: 0046762518188

ایمیل: [rahai\\_zan@yahoo.com](mailto:rahai_zan@yahoo.com)

آلمان: **شراره رضایی**

تلفن تماس: 004915782585249

ایمیل: [Shararehrezaei.p@gmail.com](mailto:Shararehrezaei.p@gmail.com)



### تلویزیون رهایی زن

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته روزهای جمعه 17:30 به وقت تهران و باز پخش، شنبه ها 17:30 به وقت تهران می توانید بیننده تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Frq 11179

Syb 27500

Pol H

FIC 3/4

مینو همتی از نوامبر سال 2004 به تهیه و تولید این برنامه پرداخته و مسایل و معضلات زنان در ایران و خارج از ایران را با میهمانان برنامه به بحث میگذارد.